

عبور از «اصلاح طلبان»!

م. رازی

Razi@kargar.org

با نزدیک شدن انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری، دعوای باندهای هیئت حاکم بالا گرفته است. باند «راست» به دیوان عالی کشور در مورد عملکرد خاتمی شکایت کرده و رهبر «مجاهدین انقلاب اسلامی» محمد سلامتی، که خبر را فاش کرده قرار است مورد تعقیب قانونی قرار گیرد! جنجالهای انتخاباتی و دعوای خانوادگی باندهای هیئت حاکم، قصد دارد توجه اصلی مسایل اجتماعی را به اختلاف بین «تمامیت خواهان» و «اصلاح طلبان» معطوف دارد. بخشی از اصلاح طلبان و همچنین تمامیت خواهان صحبت از «عبور از خاتمی» به میان آورده اند. در صورتی که مسئله اصلی کارگران و دانشجویان نه تنها عبور از خاتمی است، که عبور از «اصلاح طلبان» نیز می باشد.

امروزه در ایران وضعیت انقلابی بوجود آمده و کل نظام مورد سؤال قرار گرفته است. حرکت‌های مستقل کارگری و دانشجویی با وجود عدم برخورداری از سازماندهی متشکل و منضبط، شعار «نا فرمانی مدنی» یا براندازی را مد نظر دارند. طرفداران جبهه دوم خرداد (درون و برون مرزی) با تمام قوای تبلیغاتی و سیاسی خواهان مسدود کردن این روند طبیعی هستند. امروز در ایران گرایش گسست از جبهه دوم خرداد تقویت گشته است. نیروهای گریز از مرکز در درون این جبهه با سرعت هر چه بیشتر در حال شکل گیری است. اما، تمام اینها به این مفهوم نباید تلقی گردد که روند سرنگونی امری سهل و ساده و بدون دردسر خواهد بود. از یکسو نیروهای مسلح حزب الله و از سوی دیگر نیروهای اصلاح طلب و خادمان سوسیال دمکرات آنها همه قصد «حفظ وضعیت موجود» را داشته و دارند. طبقه کارگر پراکنده است و از سازماندهی کافی برخوردار نیست. دانشجویان و زنان هنوز سخنگویان واقعی خود را نداشته و اصلاح طلبان به سخنگویان آنها مبدل گشته اند. در خارج از کشور حزب های متعدد قیم مآب با برنامه های رفرمیست و خرده بورژوازی به نام کارگران سخن گفته و خود را به کذب نماینده آنها معرفی می کنند. در صورتی که همه آنها فاقد برنامه «کارگری» و «کمونیستی» هستند.

اما با وجود تمام این مسایل، کارگران پیشروی ایران، کسانی که در دو دهه پیش، در صف مقدم مبارزات ضد رژیم قرار داشته و اعتراض های و اعتصابهای کارگری را سازمان داده و می دهند، در حال شکل گیری سریع خود هستند. در درون این طیف محافل کارگری کمونیستی ظاهر گشته که در ارتباط با طبقه خود، به تدارکات اولیه برای ساختن حزب کارگری کمونیستی واقعی مبادرت کرده و خود را برای انقلاب آتی کارگری آماده می کنند. آنها نیک می دانند که طبقه کارگر ایران متکی بر نیروی خود قادر به ایجاد حزب پیشتاز انقلابی است و

نیازی به «قیم» ندارد. در نتیجه یکی از وظایف محوری افراد و نیروهای مترقی و انقلابی، مرتبط کردن خود به این محافل و ایجاد تسهیلات لازم و ضروری برای به قدرت رساندن طبقه کارگر است.

طبقه کارگر همانند لکوموتیوی است که مسایل سایر قشرهای تحت ستم را در محور کار خود قرار داده و جامعه ای خالی از هر گونه ستم و استثمار و ارباب عقاید و افکار بوجود خواهد آورد. دمکراسی کارگری، دمکراسی ای است به مراتب عالی تر از دمکراسی بورژوایی. حقوق دمکراتیک شهروندان ایران تنها زمانی قابل تحقق می گردند که اقتصاد با برنامه در ایران اعمال گردد. رفاه فرهنگی و آزادی اندیشه، زمانی بوجود می آید که نابرابری اقتصادی و هرج و مرج از میان برداشته شود. آزادی زنان و ملیتها، زمانی تضمین می گردد که رژیم های بورژوا از قدرت ساقط گردند. از اینرو، قشرهای تحت ستم برای رهایی از یوغ استثمار و ستم، نباید چشم امیدی به دولتهای رنگارنگ بورژوا ببندند. در طی نیم قرن پیش، دو دولت سرمایه داری را مردم ایران تجربه کردند. در سطح جهانی طی ۱۷۰ سال پیش، بارها دولتهای سرمایه داری به نام و نشانهای عوام فریبانه، برای حفظ مالکیت خصوصی، مردم زحمتکش جهان را مرعوب کرده و جنگ های خانمانسوز بر آنها تحمیل کردند.

امروز زمان آن فرا رسیده که نیروها و افراد مترقی بر محور انقلاب سوسیالیستی خود را سازمان داده و از طبقه کارگر برای سازماندهی انقلاب آتی حمایت کنند. چنانچه در انقلاب آتی حکومت کارگری و رژیم شورایی شکل نگیرد؛ و با سرنگونی رژیم کنونی یک دولت دیگر با همان ماهیت و ظاهری دیگر جایگزین گردد، مسایل کنونی به نوعی دیگر در جامعه ایران باقی خواهند ماند.

۲۴ آذر ۱۳۷۹

برای ملاحظه مقالات دیگر در مورد انحرافات رفرمیستی از سایت زیر دیدن فرمائید:

<http://www.kargar.org/maghalat.htm>